Iranian History of Culture (IHC)

https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

University of Tabriz

publications

OPEN ACCESS

Original Article

The Influence of Cultural Transformations on the Characteristics of Asadabad Carpets in Contemporary era

Sepehr Qasemi [1*], Ashkan Rahmani [2] ,Seyed Ali Akbar Seyedi[3]

1. *Department of Art, University of Shiraz, Shiraz, Iran.*
2. *Department of Art, University of Shiraz, Shiraz, Iran.*
3. *Department of Art, University of Shiraz, Shiraz, Iran.*

Received: 2025/10/08 **Received in revised form:** 2025/12/14 **Accepted**: 2025/12/30 **Published:** 2026/03/21

Abstract

Carpet weaving in the Asadabad region of Hamedan, as one of the authentic expressions of Iran's traditional arts, holds a distinct cultural and historical significance. However, economic, social, and cultural changes in the contemporary era have led to notable transformations in the technical and structural features of these carpets. The necessity of this study stems from the need to understand how traditional weaving practices have persisted or evolved under modern cultural influences. Accordingly, this research aims to analyze the technical characteristics of Asadabad carpets within the context of contemporary cultural transformations. The main research question is: How have modern cultural changes affected the technical characteristics of carpet weaving in the Asadabad region of Hamedan? The study is fundamental in nature and follows a descriptive–analytical approach, with data collected through library research, field observations, and direct examination of carpets woven over the past century. Findings reveal that the weaving system in Asadabad has gradually shifted from a traditional self-employed model to a semi-centralized, employer-based structure. This transition has influenced fiber selection, warp-setting techniques, and color composition. Nevertheless, authentic carpets of the region are still woven using Turkish knots, Turkish-style warping, and a single-weft structure, reflecting the persistence of local craftsmanship and visual identity. Overall, the results indicate that while Asadabad carpets have adapted to modern socio-cultural changes, they continue to embody the enduring values of Iran's traditional art and represent a meaningful interaction between heritage and modernity.

Keywords: Asadabad carpet, technical characteristics, cultural transformations, contemporary era.

Cite as: The Influence of Cultural Transformations on the Characteristics of Asadabad Carpets in Contemporary era. Iranian History of Culture. 2026; 3(1): 52-76.

Owner and Publisher: University of Tabriz
Journal ISSN (online): 3060-8066
Access Type: Open Access
DOI: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

*Corresponding Author: M.A. Graduate in Carpet Studies, Shiraz University, Shiraz, Iran Sepehr1378qasemi@gmail.com

تاریخ فرهنگ ایران

ناشر: دانشگاه تبریز

https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

OPEN ACCESS

مقاله پژوهشی

تاثیر تحولات فرهنگی بر مختصات قالی‌های اسدآباد همدان در عصر معاصر

سپهر قاسمی[1*]، اشکان رحمانی[2]، سید علی اکبر سیدی[3]

۱. گروه هنر، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۲. گروه هنر، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۳. گروه هنر، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶ **بازنگری:** ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ **پذیرش:** ۱۴۰۴/۱۰/۰۹ **انتشار:** ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

چکیده

قالی‌بافی در منطقه اسدآباد همدان، یکی از جلوه‌های اصیل هنرهای سنتی ایران است که ریشه‌ای عمیق در فرهنگ و هویت محلی دارد. با این حال، تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوران معاصر موجب تغییراتی محسوس در ساختار، فن و حتی کارکرد این هنر شده است. ضرورت انجام این پژوهش از آن‌جا ناشی می‌شود که بررسی علمی این تغییرات می‌تواند درک عمیق‌تری از چگونگی تداوم و تحول سنت‌های بومی در برابر جریان‌های فرهنگی نوین فراهم سازد. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش، تبیین و تحلیل علمی ویژگی‌های قالی‌های منطقه اسدآباد، در بستر تحولات فرهنگی دوران معاصر انجام شده است. پرسش اصلی پژوهش بدین شرح است: که تحولات فرهنگی معاصر، چه تأثیری بر مختصات قالی‌های منطقه اسدآباد همدان داشته است؟

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی‌های میدانی و مشاهده مستقیم قالی‌های اصیل گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش بر اساس تحلیل ۱۶ تخته قالی نشان می‌دهد که نظام تولید قالی در دهه‌های اخیر از ساختار سنتی خویش‌فرمایی به نظام کارفرمایی نیمه‌متمرکز تغییر یافته و این امر موجب تحول در نوع الیاف، شیوه چله‌کشی و ترکیب رنگ‌ها شده است. با این وجود، قالی‌های اصیل منطقه همچنان با گره ترکی، چله‌کشی ترکی و ساختار تک‌پود بافته می‌شوند که نشانگر پایداری فرهنگ بصری و هویت بومی منطقه است. در مجموع، نتایج پژوهش بیانگر آن است که قالی‌های اسدآباد، در عین تأثیرپذیری از تغییرات فرهنگی، همچنان حامل اصالت و ارزش‌های زیبایی‌شناختی سنتی‌اند و می‌توان آن‌ها را نمونه‌ای از تعامل میان سنت و تجدد در هنر ایران معاصر دانست.

کلیدواژه‌ها: قالی اسدآباد، شاخصه‌های فنی، تحولات فرهنگی، عصر معاصر.

نحوه ارجاع: "تاثیر تحولات فرهنگی بر مختصات قالی‌های اسدآباد همدان در عصر معاصر". تاریخ فرهنگ ایران. ۱۴۰۵: ۳(۱)،۵۲-۷۶.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

*: نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد پژوهش فرش، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

Sepehr1378qasemi@gmail.com

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

OPEN ACCESS
مقاله پژوهشی

مقدمه

قالی‌بافی یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های هنر و صنعت سنتی ایران است که در طول قرون متمادی، نه‌تنها به‌عنوان یک کالای مصرفی، بلکه به‌مثابه بیانی فرهنگی و نشانه‌ای از هویت بومی در جوامع محلی ایفای نقش کرده است. در این میان، شهرستان اسدآباد از جمله مناطقی است که با وجود قرار داشتن در حاشیه‌ی مراکز اصلی تولید قالی، سهم قابل توجهی در حفظ و انتقال فنون اصیل بافت و تنوع نسبتا محدود طرح و نقش داشته است. از مهم‌ترین مناطق شهری بافنده این شهرستان دو بخش مرکزی و پیرسلمان و از مهم‌ترین مناطق بافنده روستایی می‌توان به تاجی‌آباد، حسین‌آباد، سیراوند، چناره سفلی، چناره علیا، ملهم‌دره و اخته‌چی اشاره کرد. قالی‌های این مناطق بازتابی از پیوند میان مهارت‌های فنی و باورهای فرهنگی مردم آن هستند؛ پیوندی که در گذر زمان و در اثر تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، دستخوش تغییراتی چشمگیر شده است. در عصر معاصر، دگرگونی‌های ناشی از صنعتی‌شدن، تغییر الگوهای مصرف، حضور نهادهای حمایتی و جایگزینی الیاف و رنگ‌های مصنوعی به‌جای مواد طبیعی، بر شیوه‌های سنتی تولید قالی در اسدآباد تأثیر عمیقی گذاشته است. این تحولات سبب شده تا بخش مهمی از میراث فنی و زیبایی‌شناسی بومی، که حاصل تجربه و دانش نسل‌های پیاپی بافندگان بوده است، در معرض فراموشی و دگرریختی قرار گیرد. از سوی دیگر، بررسی میان بافته‌های گذشته و امروز منطقه نشان می‌دهد که تغییر در ابزار، شیوه بافت، مواد اولیه و حتی در رنگرزی، نه‌تنها از جنبه‌ی فنی، بلکه از منظر فرهنگی نیز حائز اهمیت است؛ چراکه هر یک از این عناصر بازتابی از وضعیت اجتماعی و تحولات فرهنگی جامعه محلی در دوره معاصر به شمار می‌رود. با توجه به اهمیت شناخت و مستندسازی این تغییرات، پژوهش حاضر با هدف تحلیل خصوصیات قالی‌های منطقه اسدآباد همدان در بستر تحولات فرهنگی عصر معاصر انجام شده است. در این راستا، تلاش شده تا ضمن شناسایی قالی‌بافی از ابعاد مختلف در منطقه، نحوه تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی جدید بر شیوه تولید و اصالت بافته‌ها بررسی گردد. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش چنین مطرح می‌شود؛ تحولات فرهنگی و اجتماعی معاصر چه تأثیراتی بر قالی‌های دستباف منطقه اسدآباد همدان گذاشته است و این دگرگونی‌ها چه تأثیری بر اصالت بومی این دست‌بافته‌ها داشته است؟ نتایج این پژوهش می‌تواند ضمن بازشناسی ویژگی‌های فرمی، فنی و فرهنگی قالی‌های اسدآباد، مبنایی جهت احیای هویت اصیل این دست‌بافته‌ها و برنامه‌ریزی جهت تداوم پایدار هنر قالی‌بافی در بستر فرهنگی معاصر فراهم آورد.

پیشینه و روش تحقیق

بررسی منابع و مطالعات پیشین نشان می‌دهد که هرچند پژوهش‌های متعددی در زمینه قالی‌بافی استان همدان انجام شده است، اما پژوهشی جامع و مستقل درباره تاثیر تحولات فرهنگی بر مختصات قالی‌های اسدآباد همدان تاکنون صورت نگرفته است. بیشتر آثار پیشین به توصیف کلی قالی همدان یا تحلیل طرح و نقوش سایر نواحی این استان همچون ملایر اختصاص یافته‌اند.

به‌آذین (۱۳۴۴) در کتاب «قالی ایران» به بررسی تاریخچه بافت در قالی استان همدان پرداخته و به اثرات بازارهای خارجی بر قالی مناطق اطراف همدان نیز اشاره کرده است. سیسیل ادواردز (۱۳۶۸ / چاپ اصلی ۱۹۸۹) نیز در اثر معروف خود «قالی ایران»، بافته‌های این استان را در قالب دو حوزه شمال‌غربی و جنوب‌شرقی مورد مطالعه قرار داده است. یساولی (۱۳۷۰) در کتاب «مقدمه‌ای بر شناخت قالی ایران»، با تمرکز بر مناطقی چون جوزان و مانیزان، از آن‌ها به‌عنوان مراکز اصلی تولید قالی‌های مرغوب همدان نام می‌برد و توسک را محل تولید قالی‌های نقش‌برجسته معرفی می‌کند. صوراسرافیل (۱۳۷۵)

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

در کتاب «فرش همدان» به بررسی تحولات اجتماعی در فرش استان همدان پرداخته است. دادور (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی زیراندازهای استان همدان از لحاظ طرح و رنگ»، سه نقش شاخص ستاره، گل هشت‌پر و ماهی را از منظر طرح و رنگ در زیراندازهای استان همدان بررسی کرده است. ذریه‌الزهراء (۱۳۸۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی تطبیقی و احیای نقوش فرش دست‌بافت مناطق همدان و زنجان»، تفاوت‌های سبک‌های شهری و روستایی را در قالی همدان و زنجان بررسی و نقوش منطق را در سه دسته اصلی، فرعی و ریزنقش‌ها بررسی می‌کند. ملکی و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله «صنعت فرش همدان»، نقشه‌های مورد استفاده در قالی‌های صادراتی و داخلی را به شش گروه کلی تقسیم کرده‌اند. محمدی (۱۳۸۷) در مقاله «فرش همدان، نگاهی مردم شناختی»، با رویکردی اجتماعی به تحلیل مفاهیم نهفته در طرح‌ها و نقوش استان می‌پردازد. رسولی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی ساختار درون‌متنی فرش همدان» با بهره‌گیری از نظریه نشانه‌شناسی، نقوش قالی همدان را به سه گروه گیاهی، حیوانی و هندسی تجریدی تقسیم می‌کند. ژوله (۱۳۹۰) در کتاب «پژوهشی در فرش ایران»، نگاهی کلی به ساختار قالی‌های همدان ارائه داده و به ویژگی‌های منطقه‌ای آن اشاره‌ای مختصر دارد. جلیلیان (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی نقوش فرش روستایی بافت همدان»، ریشه نقوش قالی روستایی را در طبیعت و نمادهای فرهنگی چون خیر و برکت معرفی می‌کند. خانجانی (۱۳۹۵) در پایان نامه «بررسی زیبایی‌شناسی فرم و رنگ نقوش فرش مهربان همدان و تأثیر آن از فرش کردستان»، به تحلیل بصری و رنگ‌شناسی قالی‌های مهربان همدان و الگوبرداری از نقوش کرستان پرداخته است. در حوزه منابع خارجی، آیلند (Eiland, 1998) در کتاب «راهنمای کامل فرش‌های شرقی» به پیشینه‌ی کهن قالی‌بافی در همدان اشاره می‌کند و معتقد است که سنت قالی‌بافی در همدان حداقل به عصر صفوی بازمی‌گردد. سخایی (Sakhai, 2008) در کتاب «قالیچه‌ها و قالی‌های شرقی»، با تمرکز بر قالی‌های ملایر استان همدان، به ویژگی‌های رنگی و طرح‌های رایج موجود در منطقه اشاره کرده. فورد (Ford, 2008) نیز در کتاب «طراحی فرش شرقی»، نقش ماهی هراتی را به‌عنوان یکی از شناسه‌های اصلی قالی همدان معرفی می‌کند.

با وجود این حجم از مطالعات، تمرکز عمده‌ی پژوهش‌های پیشین بر جنبه‌های کلی قالی همدان بوده و کمتر به بررسی دقیق ساختار فرمی، فنی و ویژگی‌های اختصاصی بافته‌های مناطق کمتر شناخته‌شده چون اسدآباد پرداخته شده است. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام مطالعه‌ای متمرکز بر شاخصه‌های قالی‌های اسدآباد و تأثیر تحولات فرهنگی معاصر بر آن‌ها را برجسته می‌سازد؛ پژوهشی که بتواند ابعاد فنی، فرمی و فرهنگی این دست‌بافته‌ها را به‌صورت هم‌زمان تحلیل کند.

پژوهش جاری از نظر هدف، در زمره‌ی مطالعات بنیادی قرار می‌گیرد و از حیث روش‌شناسی، توصیفی-تحلیلی است. تحلیل داده‌ها به شیوه‌ی کیفی صورت گرفته و تمرکز اصلی بر، شناسایی و تحلیل ویژگی‌های فنی بافت قالی‌های منطقه اسدآباد همدان در بستر تحولات فرهنگی معاصر از طریق مشاهده، توصیف و تفسیر بوده است. جهت تدوین چارچوب نظری و بررسی پیشینه‌ی موضوع، از مطالعات کتابخانه‌ای بهره گرفته شد و در گام بعد، داده‌های میدانی از طریق جست‌وجوی مستقیم در منطقه هدف گردآوری گردید. به‌منظور تکمیل و صحت‌سنجی اطلاعات، مصاحبه‌های تخصصی با شماری از فروشندگان و بافندگان فرش در مناطق همدان و اسدآباد انجام گرفت. افزون بر این، با طراحی کارت مشاهده مبتنی بر مؤلفه‌های فنی و بصری، ویژگی‌های ساختاری نمونه‌ها به‌صورت نظام‌مند ثبت شد.

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

جامعه‌ی آماری پژوهش از دو بخش تشکیل شده است: نخست، تولیدات اصیل منطقه با طرح‌های متداول و سنتی، سپس، افراد فعال در حوزه‌ی فرش شامل فروشندگان و بافندگان محلی، بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، تعداد ۲۸ تخته قالی اصیل (شامل ۱۶ تخته قالی روستای تاجی آباد، ۴ تخته چنار علیا و سفلی، ۲ تخته حسین آباد، ۲ تخته سیراوند، ۳ تخته ملهم دره و ۱ تخته اخته‌چی می‌باشد) با تأیید کارشناسان محلی و پژوهشگران فرش به‌عنوان نمونه‌های واجد اصالت منطقه‌ای انتخاب گردید. ازاین‌رو، شیوه‌ی نمونه‌گیری غیرتصادفی و هدفمند بوده است. در بخش دوم جامعه‌ی آماری، با مشورت مسئولان استانی و بر اساس سوابق فعالیت در حوزه‌ی فرش، ۹ نفر شناسایی شدند. از میان آنان، دو نفر شامل یک فروشنده و یک بافنده که تمایل به همکاری داشتند، جهت انجام مصاحبه‌های تخصصی انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها شامل سه دسته ۱) مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای جهت استخراج مبانی نظری و پیشینه پژوهش، ۲) مشاهده‌ی مستقیم نمونه‌ها و تکمیل کارت مشاهده جهت ثبت ویژگی‌های فنی (چله‌کشی، گره، تراکم پود، رنگ، ابزار و مواد اولیه)، ۳) مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با بافندگان و فروشندگان بومی جهت درک عمیق‌تر از شیوه‌های سنتی و تغییرات اخیر است. شیوه‌ی تحلیل داده‌ها نیز بر پایه‌ی تحلیل کیفی تفسیری انجام شد؛ بدین معنا که داده‌های حاصل از مشاهده و مصاحبه، به‌صورت طبقه‌بندی‌شده بر اساس محورهای فنی، فرهنگی و ساختاری بررسی و تفسیر شدند. در تحلیل نهایی، داده‌ها با یافته‌های مطالعات نظری و اسنادی تطبیق داده شد تا ارتباط میان تحولات فرهنگی و تغییرات فنی در بافت قالی روشن گردد. جهت سنجش اعتبار داده‌ها و پایایی اطلاعات حاصل از مشاهده‌ی میدانی، مصاحبه‌های شفاهی و منابع مکتوب با یکدیگر مقایسه و راستی‌آزمایی شدند. همچنین، بازبینی مشارکت‌کنندگان از طریق ارائه‌ی یافته‌ها به بافندگان محلی و دریافت تأیید آنان در خصوص دقت مشاهدات، به اطمینان از صحت نتایج کمک کرده است.

با توجه به رکود محسوس در فعالیت‌های قالی‌بافی منطقه طی دهه‌های اخیر، دسترسی به نمونه‌های اصیل و کهن با دشواری همراه بود. از چالش‌های اساسی این پژوهش، فقدان مستندسازی منسجم و نظام‌مند از فعالیت‌های قالی‌بافی منطقه در دهه‌های گذشته است؛ دورانی که هنوز کانون‌های فعال بافت در روستاها وجود داشت و هر روستا طرح‌ها و نقوش خاص خود را تولید می‌کرد. این خلأ اطلاعاتی موجب شده است که شناسایی و رهگیری دقیق بافته‌های قدیمی منطقه با دشواری‌های فراوانی همراه باشد. در نتیجه‌ی این کاستی‌ها، امروزه بخش قابل توجهی از قالی‌های منطقه در بازارهای محلی و ملی با عنوان کلی «قالی تاجی آباد» معرفی و عرضه می‌شوند، بی‌آن‌که به خاستگاه دقیق روستایی و ویژگی‌های متمایز هر یک اشاره‌ای گردد. افزون بر این، از برخی روستاهایی که در گذشته مراکز فعال بافت بوده‌اند، نمونه‌های قابل استناد در دست نیست؛ امری که امکان تحلیل جامع‌تر در مقیاس‌های محلی را با محدودیت‌های جدی مواجه ساخته است.

چهارچوب نظری تحقیق

فرش ایرانی به‌عنوان یکی از کهن‌ترین جلوه‌های هنر و صنعت در ایران، نه‌تنها بازتابی از ذوق زیباشناختی و مهارت‌های فنی بافندگان است، بلکه حامل لایه‌هایی از دانش بومی، سنت‌های فرهنگی و جهان‌بینی محلی محسوب می‌شود. در این میان، قالی‌های منطقه اسدآباد همدان به‌سبب موقعیت جغرافیایی و فرهنگی خاص خود، پیوندی عمیق میان سنت‌های روستایی، تعاملات قومی و تحولات اجتماعی دوران معاصر نشان می‌دهند. از منظر نظری، تحلیل فنی و فرهنگی بافت قالی می‌تواند در

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

چارچوب سه محور اصلی ۱) دانش ضمنی و مهارت‌های سنتی، ۲) تحول نظام‌های تولید و کارفرمایی در بستر مدرنیته ۳) تأثیر تحولات فرهنگی بر هویت زیباشناختی و ساختاری بررسی شود.

بر اساس نظریه‌ی دانش ضمنی مایکل پولانی، بخشی از مهارت‌های انسانی در فرایند تولید، در قالب دانشی نانوشته و غیرقابل انتقال زبانی نهفته است که تنها از طریق تجربه و عمل به‌دست می‌آید در حوزه‌ی قالی‌بافی، این دانش در حرکات دست، تنظیم گره، کشش چله و حتی درک بصری از هماهنگی رنگ‌ها متجلی می‌شود (Polanyi, 1966: 4). استمرار این دانش در میان بافندگان اسدآباد بیانگر پیوستگی فرهنگی و حفظ حافظه‌ی فنی نسل‌هاست. «در سوی دیگر، ریچارد سِنت مفهوم صنعتگر را به‌عنوان نماد پیوند میان مهارت، اخلاق کار و هویت فرهنگی مطرح می‌کند» (Sennett, 2008: 19–25). در این چارچوب، تغییر ساختار تولید از نظام خویش‌فرمایی به نظام کارفرمایی در قالی‌بافی اسدآباد را می‌توان مصداقی از گسست نسبی در اخلاق مهارت‌محور و انتقال تجربه دانست. از منظر تاریخی، رادنر در پژوهش خود پیرامون نوسازی صنعت فرش ایران نشان می‌دهد که از دوران پهلوی اول، نظام تولید فرش از ساختار محلی و خانوادگی به ساختار نیمه‌متمرکز کارگاهی تغییر یافته است؛ تغییری که پیامدهای اجتماعی و فرهنگی متعددی در مناطق بافنده همچون همدان و اسدآباد بر جای گذاشته است(Rudner, 2011: 56). این دگرگونی‌ها، علاوه بر تأثیر اقتصادی، سبب تغییر در جنس مواد اولیه، نظام سفارش‌دهی و حتی درک زیبایی‌شناسی از رنگ و طرح شده‌اند.

از دیدگاه فنی، تحلیل ساختار قالی‌ها نیازمند توجه به مواد اولیه، شیوه‌ی بافت و نوع گره است. «ایلند تأکید می‌کند که ساختار فنی هر منطقه، بازتابی از شرایط اقلیمی، دسترسی به مواد اولیه و سنت‌های قومی است. در همین راستا، استفاده از گره ترکی[1] در اسدآباد، نشانه‌ای از پیوند فنی و فرهنگی این منطقه با حوزه‌های بافت غرب ایران و آناتولی است (Eiland, 1998: 107). از منظر رنگرزی و زیبایی‌شناسی، دومینیک کاردون بیان می‌کند که استفاده از رنگ‌های طبیعی و گیاهی نه‌تنها جنبه‌ای فنی، بلکه بُعدی فرهنگی دارد؛ زیرا رنگ‌ها در قالی ایرانی حامل معانی نمادین و منطقه‌ای هستند. تغییر در منابع رنگزا و گرایش به رنگ‌های شیمیایی در دهه‌های اخیر، در واقع نمودی از تغییر فرهنگی و اقتصادی در جوامع بافنده به شمار می‌رود(Cardon, 2007: 65–72). در تبیین این تحولات، می‌توان به دیدگاه سخایی نیز اشاره کرد که تداوم طرح‌های سنتی در مناطق روستایی ایران را نه صرفاً از سر عادت، بلکه به‌منزله‌ی مقاومت فرهنگی در برابر تجاری‌سازی و جهانی‌سازی قالی می‌داند (Sakhai, 2008: 84–90). در این چارچوب، قالی اسدآباد نمونه‌ای از تعادل میان پایداری سنت و تأثیرپذیری از مدرنیته است؛ جایی که تغییر در ابزار و مواد اولیه با حفظ ساختار فنی اصیل همچون گره ترکی و چله‌کشی ترکی همراه است. بنابراین، چارچوب نظری پژوهش بر پیوند میان دانش ضمنی قالی‌بافی، تحول نظام‌های تولید، و پایداری فرهنگی استوار است. بررسی تطبیقی مختصات قالی‌های اسدآباد در بستر تحولات فرهنگی معاصر، می‌تواند درک ژرف‌تری از نحوه‌ی تداوم میراث فنی و هویت هنری در قالی‌بافی ایران معاصر ارائه دهد.

تعریف مفهومی متغیرها و روابط علّی(تعریف نظری-مفهومی مفاهیم اصلی): در پژوهش جاری، مفاهیم اصلی به منظور تبیین روابط علّی میان زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی و مختصات قالی‌بافی اسدآباد، به شرح زیر تعریف می‌شوند؛

۱. Ghiordes Knot

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

تحولات فرهنگی-اجتماعی به معنای تغییر در ارزش‌ها، ذائقه‌ی زیبایی‌شناختی، سبک زندگی و نقش نهادهای مؤثر (از جمله رسانه، بازار، تعاونی‌ها و نهادهای حمایتی) در بافت روستایی است؛ در حالی که تحول نظام تولید به منزله‌ی عبور ساختار کار از نظام سنتی خویش‌فرمایی (مبتنی بر دانش میان‌نسلی) به نظام کارفرمایی (مبتنی بر بازار و مواد صنعتی) تعریف می‌شود. همچنین شاخصه‌های فنی قالی، مجموعه‌ی ویژگی‌های تکنیکی و عینی بافت نظیر نوع گره، نوع چله، مواد اولیه، شیوه‌ی رنگرزی، رج‌شمار و ساختار پود را در بر می‌گیرد و در نهایت هویت بصری نیز ناظر بر عناصر زیبایی‌شناختی و فرهنگی مانند هماهنگی رنگی، ترکیب‌بندی نقوش، سبک شخصی بافنده و معناسازی فرهنگی نهفته در طرح است. این متغیرها در کنار یکدیگر، چارچوب تحلیلی لازم جهت بررسی تأثیر نیروهای ساختاری (تحولات) بر اصالت فنی و هنری (شاخصه‌ها و هویت) قالی اسدآباد را فراهم می‌آورند (نمودار ۱).

گزاره‌های نظری / فرضیه‌گونه: فرضیه ۱: تحولات فرهنگی و اقتصادی معاصر با افزایش وابستگی به بازار، موجب تغییر در دسترسی و انتخاب مواد اولیه شده و در نتیجه کیفیت و هویت فنی قالی را دگرگون می‌کند. فرضیه ۲: تغییر نظام تولید از خویش‌فرمایی به کارفرمایی، میزان انتقال دانش ضمنی و خلاقیت فردی بافنده را کاهش داده و به یکنواختی طرح و رنگ منجر می‌شود. فرضیه ۳: گسترش ارزش‌های زیبایی‌شناسی مدرن و رنگ‌های صنعتی، ساختار هویت بصری قالی اسدآباد را از الگوهای اصیل به الگوهای بازاری سوق داده است.

نمودار ۱: مسیر علّی زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی و مختصات قالی‌بافی اسدآباد (نگارندگان)

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

بحث (متن مقاله)

۱- تاثیر تحولات فرهنگی بر الگوهای تولید، طرح و نقش قالی‌های اسدآباد

فرهنگ بومی و سنت‌های اجتماعی در منطقه اسدآباد نقش مهمی در شکل‌گیری و تداوم هنر قالی‌بافی ایفا کرده‌اند. بافت قالی در این ناحیه نه‌تنها یک فعالیت اقتصادی، بلکه جلوه‌ای از هویت فرهنگی و شیوه زیست مردمان آن است. بافندگان، به‌ویژه زنان روستایی، از طریق نقش‌ها و رنگ‌ها اندیشه‌ها، باورها و محیط زندگی خود را در تار و پود قالی بازتاب می‌دهند. در همین راستا، نقوش سنتی اسدآباد را می‌توان سندی زنده از تاریخ فرهنگی منطقه دانست که در گذر زمان دستخوش دگرگونی‌هایی متأثر از تحولات اجتماعی و اقتصادی سده اخیر شده است.

در گذشته، قالی‌های اسدآباد با طرح‌هایی ساده، رنگ‌هایی ملایم و بافتی ذهنی شناخته می‌شدند. طرح و نقوش در گذشته اغلب بدون استفاده از نقشه‌های از پیش‌طراحی‌شده و صرفاً بر اساس حافظه تصویری و ذوق فردی بافندگان شکل می‌گرفتند و بازتابی از ذوق آزاد و خلاقیت ذهنی بافندگان روستایی به‌شمار می‌رفتند. چنین رویکردی، ضمن حفظ اصالت بومی، پیوندی عمیق میان تولید هنری و زندگی روزمره ایجاد می‌کرد. با آغاز دوران معاصر و گسترش ارتباطات اقتصادی و فرهنگی، قالی‌بافی اسدآباد به‌تدریج تحت‌تأثیر جریان‌های جدید طراحی و بازار قرار گرفت. ورود نقشه‌های شهری، رنگ‌های شیمیایی و الگوهای تجاری، به تغییر در ساختار سنتی بافت و کاهش استقلال هنری بافندگان انجامید. با این حال، بسیاری از بافندگان همچنان کوشیدند تا در چارچوب طرح‌های تازه، روح سنتی و نمادهای بومی منطقه را حفظ کنند.

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

تحولات فرهنگی دهه‌های اخیر، از جمله کاهش وابستگی‌های قومی، مهاجرت، تغییر الگوهای معیشتی و تا حدی رشد آموزش‌های رسمی، نیز تأثیری مستقیم بر تولیدات منطقه بر جای گذاشته است. برخی نقوش سنتی به‌تدریج کنار گذاشته شدند و در مقابل، طرح‌هایی با ساختار منظم‌تر و هماهنگ با سلیقه بازارهای شهری جایگزین گردیدند. در عین حال، در برخی از روستاها، بافندگان همچنان به روش‌های ذهنی و سنتی وفادار مانده‌اند و تولید آن‌ها بازتابی از استمرار هویت فرهنگی منطقه است.

نقوش و طرح‌های قالی‌های اسدآباد بیانگر پیوندی عمیق میان سنت‌های هنری و فرهنگ بومی این منطقه است. بررسی ساختارهای تصویری قالی‌های اسدآباد نشان می‌دهد که بافندگان این حوزه، ضمن حفظ اصالت نقوش سنتی، در گذر زمان توانسته‌اند ترکیب‌هایی متمایز و متناسب با ذوق محلی خود پدید آورند. «در میان نقش‌های متداول، نقش‌مایه ماهی (جدول۲-قالی۲) بیشترین حضور را در قالی‌های منطقه دارد و می‌توان آن را شاخص‌ترین الگوی تصویری در بافته‌های اسدآباد دانست (نیکویی، ۱۳۸۷: ۹). این نقش که در سایر مناطق غرب ایران نیز کاربرد دارد، در اسدآباد با شیوه‌ای ذهنی و ساده‌تر از نمونه‌های شهری اجرا می‌شود. در بسیاری از قالی‌های این ناحیه، نقش ماهی تاجی آباد در قالب طرح لچک و ترنج (جدول۲-قالی۳) یا به‌صورت لچکدار (جدول۴-قالی۱۰) و یا به‌صورت چند ترنج (جدول۳-قالی۶) به کار می‌رود. نقوش دیگری همچون چنار شیخ یا چنار عباس‌خان نیز در طرح‌های چند ترنج (جدول۲-قالی۱) ترسیم می‌شوند که اغلب بر پایه‌ی ترکیب‌بندی‌های ذهنی شکل می‌گیرند. علاوه بر این در گذشته استفاده از نقوشی چون ترمه در زمینه لچک ترنج (جدول۳-قالی۵) در منطقه رایج بوده است (نمودار ۲ و ۳). بافندگان محلی به دلیل تجربه‌ی طولانی در اجرای ذهنی نگاره‌ها، ساختار کلی نقش را بدون نیاز به نقشه پیاده می‌کنند و همین ویژگی، به بافته‌های منطقه اصالتی روستایی و خودجوش می‌بخشد. «از دیدگاه تطبیقی، قالی‌های اسدآباد از لحاظ طرح و نقوش، تا حد زیادی متأثر از قالی‌های کردی و همدانی هستند» (صباحی، ۱۳۹۳: ۳۴۵). این تأثیر در نحوه‌ی استفاده از فرم‌های هندسی و ترکیب نقوش ترمه‌ای، بازوبندی و ماهی انجلاسی مشهود است. نقوشی که هریک متناسب با موقعیت جغرافیایی و پیشینه‌ی ارتباطی با شهرهای اطراف شکل گرفته‌اند. در میان این نقوش، نقشه‌ی ماهی از شهرت بیشتری برخوردار است و حتی در بازارهای جهانی نیز شناخته می‌شود (یساولی، ۱۳۷۵: ۴۱۴–۴۱۵).

روستای ملهمده از مراکز مهم قالی‌بافی در اسدآباد به شمار می‌رود و به‌واسطه‌ی مهارت بالای بافندگانش، در اجرای نقوش پیچیده و خاص شهرت یافته است. برخی از نقوش ویژه‌ی این روستا، مانند؛ نقش ملهمده اگرچه امروزه متروک شده‌اند، اما در گذشته از جمله آثار شاخص منطقه محسوب می‌شدند (استون، ۱۳۹۱: ۳۲). همچنین، در روستاهای تاجی‌آباد و اخته‌چی نقش ماهی تاجی‌آباد بافته می‌شود که گونه‌ی شاخص منطقه محسوب می‌شود. به‌طور کلی، طرح و نقش در قالی‌های اسدآباد تجلی‌گاه سنت‌های قومی، ذوق محلی و تجربه‌ی فنی بافندگان است. در این بافته‌ها، سادگی ترکیب، استفاده از الگوهای تکرارشونده و تمایل به ساختارهای ذهنی، ویژگی‌هایی هستند که به قالی‌های منطقه چهره‌ای متمایز از سایر مراکز قالی‌بافی غرب ایران بخشیده‌اند.

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

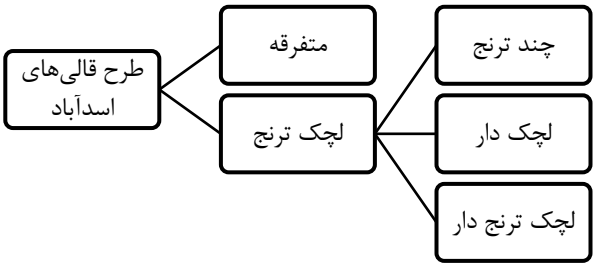

نمودار ۲: گروه بندی کلی رایج‌ترین طرح‌های قالی‌های اسدآباد (نگارندگان)

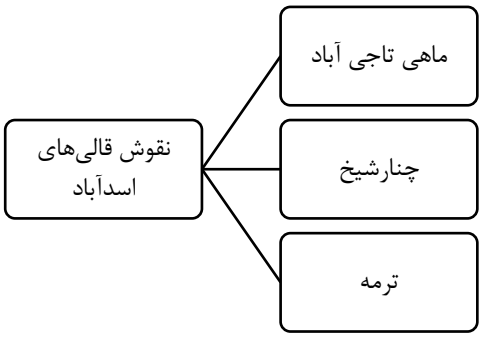

نمودار ۳: گروه بندی کلی رایج‌ترین نقوش قالی‌های اسدآباد (نگارندگان)

۲- رنگ و رنگرزی در قالی‌های اسدآباد در بستر تحولات فرهنگی معاصر

رنگ در قالی‌های اسدآباد همدان نه‌تنها عنصری زیباشناختی، بلکه نشانه‌ای از هویت فرهنگی و تداوم سنت‌های بومی است. بررسی ویژگی‌های رنگ و شیوه‌های رنگرزی در این منطقه نشان می‌دهد که انتخاب رنگ‌ها و تحول در فرآیند رنگرزی طی دهه‌های اخیر، بازتابی از تغییرات فرهنگی، اقتصادی و فنی در جامعه‌ی اسدآباد است. «در گذشته، قالی‌های اسدآباد به‌طور عمده با زمینه‌ی قرمز لاکی و ترنج‌های سورمه‌ای یا سرمه‌ای تیره بافته می‌شدند» (نیکویی، ۱۳۸۷: ۹). این ترکیب رنگی، که از سنت‌های رنگ‌آمیزی غرب ایران و به‌ویژه مناطق کردنشین تأثیر پذیرفته است، به قالی‌ها هویتی گرم و در عین حال آرام می‌بخشد. استفاده از رنگ‌های تیره و مات، ویژگی برجسته‌ی بافته‌های این منطقه است که موجب انسجام بصری طرح‌ها و هماهنگی میان رنگ متن و حاشیه می‌شود (صباحی، ۱۳۹۳: ۳۴۵).

فرآیند رنگرزی در اسدآباد در گذشته بر پایه‌ی مواد طبیعی و گیاهی انجام می‌گرفت. رنگرزهای محلی از موادی چون روناس، پوست گردو، نیل، اسپرک، زاج سفید و پوست انار برای تولید طیف‌های متنوعی از قرمز، قهوه‌ای، آبی و زرد استفاده می‌کردند. کنترل دما، مدت زمان جوشاندن و نسبت رنگ‌زا به پشم در این فرایندها بر اساس تجربه‌ی نسل‌ها از استادکاران صورت می‌گرفت و هر خانواده‌ی رنگرز روش خاص خود را به‌عنوان راز کار حفظ می‌کرد. از رنگرزان نامدار این منطقه می‌توان به آقای ترابیان اشاره کرد که سال‌ها در زمینه‌ی رنگرزی سنتی فعالیت داشته و در حفظ و انتقال دانش بومی رنگرزی به نسل جدید نقش مؤثری ایفا کرده است. کارگاه‌های رنگرزی سنتی مانند کارگاه ترابیان، نه‌تنها مراکز تولید رنگ، بلکه محیط‌هایی جهت آموزش و تداوم تجربه‌ی فرهنگی و فنی منطقه به شمار می‌روند. با ورود رنگ‌های شیمیایی از دهه‌های میانی قرن بیستم، تحولی اساسی در رنگرزی سنتی اسدآباد پدید آمد. سهولت دسترسی، سرعت فرآیند رنگ‌دهی و تنوع رنگ‌های صنعتی باعث شد بسیاری از بافندگان از رنگ‌های طبیعی فاصله بگیرند. هرچند این تغییر موجب افزایش حجم تولید شد، اما از سوی دیگر، به افت کیفیت رنگ و کاهش ماندگاری آن در برابر نور و شست‌وشو انجامید. به‌تدریج، تضاد میان زیبایی طبیعی رنگ‌های گیاهی و درخشش مصنوعی رنگ‌های شیمیایی به یکی از چالش‌های اصلی در تولید قالی منطقه تبدیل شد. در سال‌های اخیر، با افزایش آگاهی فرهنگی و توجه دوباره به ارزش‌های سنتی، برخی بافندگان و رنگرزان تلاش کرده‌اند تا

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

روش‌های طبیعی رنگرزی را احیا کنند. این بازگشت به رنگ‌های گیاهی نه‌تنها پاسخی به نیاز بازارهای جهانی بـرای تولیـدات اصیل‌تر است، بلکه نشانه‌ای از احیای هویت فرهنگی و فنی منطقه در بستر تحولات معاصر به شمار می‌آید.

۳- ویژگی‌های فنی و ساختاری قالی‌های اسدآباد

قالی‌های منطقه اسدآباد از نظر فنی و ساختاری، بازتابی از پیوستگی سنت‌های کهن با تحولات فنـی و فرهنگـی دوران معاصر هستند. ابزار، مواد اولیه و شیوه‌های بافت در این منطقه، ضمن حفظ ویژگی‌های اصیل قالی‌بافی استان همدان، متناسب با تغییرات اقتصادی و صنعتی دهه‌های اخیر، دستخوش تحولاتی قابل توجه شده‌اند. در حال حاضر، دارهای بافـت در اسـدآباد عمدتاً از نوع عمودی و فلزی هستند که توسط صنعت‌گران محلی ساخته می‌شوند. این دارها بـه‌دلیـل اسـتحکام و سـهولت در تنظیم، جایگزین دارهای چوبی سنتی گذشته شده‌اند.

ابزارهای مورد استفاده بافندگان شامل دفتین، قیچی و چـاقو اسـت و از قـلاب در منطقـه اسـتفاده نمـی‌شـود مگـر در مواردی که بافندگان به تولید قالی‌های بزرگ یا تابلوفرش‌های دارای نقوش انحصاری می‌پردازند، از قلاب جهت گـره‌زدن بهـره می‌گیرند. در گذشته، ابزارهایی مانند کرکیت بزرگ جهت کوبیدن پود درشت و کرک‌گیر جهت جمع‌آوری کرک پشـم نیـز در کارگاه‌های قالی‌بافی اسدآباد به‌کار می‌رفته که نشانگر دقت بالای بافندگان در تنظیم تراکم و یکنـواختی بافـت بـوده اسـت. در زمینه‌ی چله‌کشی، روش ترکی متداول‌ترین شیوه در میان بافندگان منطقه است. این روش کـه توسـط خـود بافنـدگان انجـام می‌شود، استحکام و تعادل لازم را در ساختار قالی ایجاد کرده و باعث دوام بیشتر در برابر فشارهای ناشی از استفاده می‌گردد.

از منظر مواد اولیه، امروزه نخ‌های تار و پود در بیشتر قالی‌هـای منطقـه از الیـاف آکریلیـک-پنبـه‌ای بـا تـاب S تهیـه می‌شوند که معمولاً به‌صورت ۱۵ تا ۲۴ لا و به رنگ سفید یا هم‌رنگ زمینه مورد استفاده قرار می‌گیرند. با این حال، در گذشته از نخ‌های پنبه‌ای و پشمی دست‌ریس به‌عنوان تار و پود بهره گرفته می‌شد که کیفیتی طبیعی‌تر و بـافتی گـرم‌تـر بـه قـالی‌هـا می‌بخشید. در بافته‌های اصیل محلی، پود نازک به‌طور معمول حذف شده و قالی‌ها به‌صورت تـک‌پـود بافتـه مـی‌شـوند. امـا در تولیدات وابسته به نهادهایی نظیر جهاد سازندگی، تعـاونی‌هـا و کمیتـه امـداد امـام خمینـی (ره)، کـه قـالی‌هـای موسـوم بـه «جهادباف» و «تعاونی‌باف» نامیده می‌شوند، بافت دوپود رایج است و از نخ‌هـای نـازک یـک‌لا بـه‌عنـوان پـود نـازک اسـتفاده می‌شود. این دسته از تولیدات، از نظر ساختار و اصالت، با قالی‌های سنتی منطقه تفاوت داشـته و تـا حـدی متـأثر از الگوهـای صنعتی جدید هستند. الیاف گره در قالی‌های اصیل اسدآباد همواره از پشم دست‌ریس طبیعـی بـوده اسـت، هرچنـد در دوران اخیر به‌تدریج پشم‌های صنعتی تولید کارخانجات نساجی جایگزین نمونه‌های بومی شده‌اند. گره‌ها به‌صورت ترکـی (متقـارن) و بر محور تار از زیر و رو زده می‌شوند. در برخی تولیدات جدید، به‌ویژه در قالی‌های جهادباف و تعاونی‌باف، از الیاف ابریشمی نیـز استفاده می‌شود و گاه نقوشی برگرفته از طرح‌های بیجار و مناطق دیگر در آن‌ها دیده می‌شود که نشانه‌ای از تأثیر جریـان‌هـای فرهنگی بیرونی بر تولیدات محلی است.

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

رج‌شمار[1] قالی‌های بومی اسدآباد اغلب دارای تراکمی بین ۱۵ الی ۲۰ در هر هفت سانتی‌متر می‌باشند (نمودار ۴ و ۵)، که این میزان با ویژگی‌های فنی بافت‌های روستایی منطقه همدان مطابقت دارد. در مقابل، قالی‌های تولیدی نهادهای حمایتی گاه تراکم بسیار بالاتری، تا حدود ۶۰ رج، دارند که بیانگر تغییر در اهداف تولید و گرایش به بازارهای تزئینی‌تر است.

شیرازه‌های قالی‌های منطقه تماما از نوع متصل و از جنس پشم هستند. تعداد نخ‌های چله مورد استفاده در پیچش شیرازه متغیر بوده و متناسب با ظرافت کلی قالی تعیین می‌شود. رنگ شیرازه نیز معمولاً با رنگ حاشیه اصلی هماهنگ انتخاب می‌گردد تا از نظر بصری تداوم طرح و رنگ حفظ شود. در بخش گلیم‌باف قالی‌ها، ساختار بافت عمدتاً به‌صورت کرباسی و با استفاده از نخ‌های پنبه‌ای یا آکریلیک انجام می‌شود. عرض گلیم‌بافها معمولاً بین یک تا دو سانتی‌متر است و وظیفه‌ی آن‌ها محافظت از بافت اصلی قالی و تثبیت تارها در ابتدا و انتهای قالی است.

در پایان، باید اشاره داشت که قالی‌های اصیل اسدآباد برخلاف نمونه‌های جدید فاقد هرگونه آرایش سرچله هستند؛ در حالی که تولیدات وابسته به کارگاه‌های متمرکز جهاد یا تعاونی‌ها عموماً با چنین تزئیناتی همراه‌اند. این تفاوت نه‌تنها در وجه فنی بلکه در بعد فرهنگی نیز معنادار است، زیرا نشان‌دهنده‌ی فاصله میان قالی‌بافی سنتی مبتنی بر تجربه و ذوق بومی با تولیدات کارگاهی و بازارمحور دوران معاصر است. به‌طور کلی، ساختار فنی قالی‌های اسدآباد تلفیقی از سنت و نوگرایی است؛ تلفیقی که از یک‌سو اصالت بافت روستایی و مهارت زنان بافنده را در خود حفظ کرده و از سوی دیگر، تأثیر جریان‌های فرهنگی، اقتصادی و صنعتی معاصر را به‌وضوح در شیوه‌ی تولید، مواد اولیه و نظام کارگاهی بازتاب می‌دهد (جدول ۱).

جدول ۱: ویژگی‌های فنی قالی‌های منطقه اسدآباد (نگارندگان)

۱	**ابعاد تولیدی**	بیشتر کناره در ابعاد (۲*۷.) و (۳*۷.) و (۳.۵*۷.) و... بافته می‌شود، اگرچه گاها بافت ذرع و نیم،دو ذرع و گاها موصل نیز به سفارش افراد مشاهده شده است.
۲	**ابزار آلات**	دفتین، قیچی و چاقو
۳	**نوع و جنس دار**	نوع دار عمودی و جنس دار فلزی
۴	**نوع چله کشی**	ترکی
۵	**تار**	جنس آکرولیک-پنبه‌ای / تاب S / ۱۵ تا ۲۴ لا / سفید رنگ
۶	**پود کلفت**	جنس آکرولیک-پنبه‌ای / تاب S / ۱۵ تا ۲۴ لا / سفید رنگ
۷	**پود نازک**	-
۸	**گره**	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا
۹	**رجشمار**	۱۵ تا ۲۰
۱۰	**نوع بافت**	نیم لول

[2]. منظور از رج‌شمار در قالی‌هایی با گره ترکی، تعداد گره در ۷ سانتیمتر از عرض قالی است.

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

۱۱	**شیرازه پیچی**	متصل / جنس پشمی / متناسب با رنگ حاشیه
۱۲	**گلیم باف**	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای-آکرولیک، اندازه بین ۱ تا ۲ سانتی‌متر
۱۳	**آرایش سرچله‌ها**	-
۱۴	**نوع پرداخت**	هر ردیف شانه و قیچی توسط بافنده

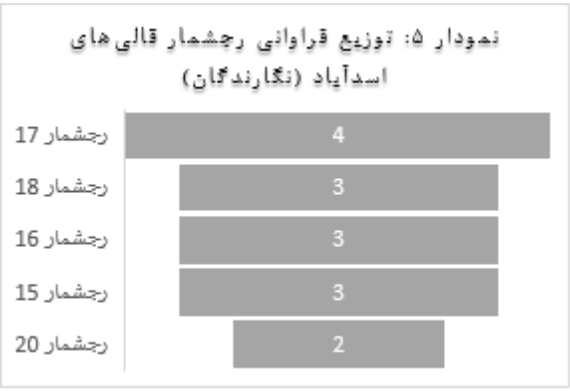

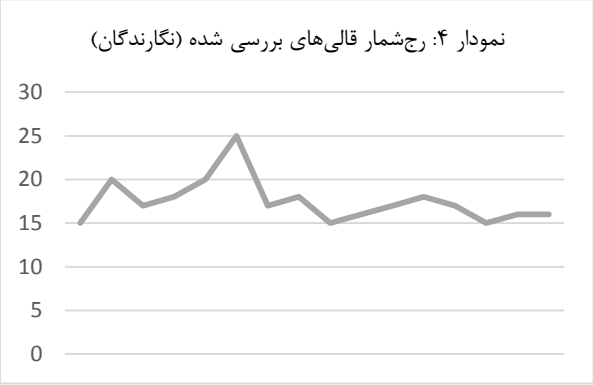

۴- تحلیل وضعیت بافندگی در منطقه اسدآباد در بستر تحولات فرهنگی

قالی‌بافی در منطقه اسدآباد، برخلاف برخی نواحی مجاور استان همدان، از گسترش و پویایی قابل‌توجهی برخوردار نبوده است. با این حال، روستاهای چنارشیخ و مَلهَمده از مهم‌ترین مراکز بافندگی این شهرستان به‌شمار می‌آیند. از نظر ترکیب زبانی، اهالی چنارشیخ به دو زبان کردی و فارسی و ساکنان ملهمده به زبان ترکی تکلم می‌کنند. در محدوده اسدآباد، معمولاً قالی‌هایی با ابعاد ذرع و نیم، دو ذرع و کناره و با رجشماری حدود ۲۰ رج بافته می‌شود (یساولی، ۱۳۷۵: ۴۱۴–۴۱۵). دو روستای زاغه و تاج‌آباد که در مسیر ارتباطی همدان-اسدآباد و در فاصله‌ای اندک از یکدیگر واقع شده‌اند، نیز در زمره مراکز شناخته‌شده بافندگی منطقه هستند. تولیدات این دو روستا از نظر رنگ‌بندی، نقوش و ابعاد شباهت فراوانی دارند و رج‌شمار آن‌ها بین ۲۰ تا ۲۵ رج متغیر است (ژوله، ۱۳۹۰: ۱۹۷). افزون بر این، روستاهای طویلان علیا، طویلان سفلی، جعفرآباد و تاج‌آباد از دیگر نقاط فعال در زمینه بافندگی قالی هستند که بنا بر مشاهدات میدانی، بافته‌های آنان غالباً ذهنی و مزین به نقوش موسوم به جهادی است (نیکویی، ۱۳۸۷: ۹).

هم‌زمان با تحولات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دهه‌های اخیر، فعالیت قالی‌بافی در اسدآباد با کاهش قابل‌توجهی روبه‌رو شده و بخش عمده تولید بر دوش زنان روستایی است که با مشکلاتی نظیر افت کیفیت مواد اولیه، ضعف در طراحی نقوش، شیوع خطاهای فنی مانند دوگره‌بافی و نبود آموزش‌های تخصصی مواجه‌اند. چنین شرایطی نه تنها سطح معیشت خانوارهای بافنده را تضعیف کرده، بلکه استمرار سنت‌های فنی را نیز با چالش روبه‌رو کرده است. از نظر ساختار تولید، الگوی غالب منطقه نظام کارفرمایی است؛ به این معنی که بافندگان بر اساس سفارش، تولید محصول می‌کنند و مواد اولیه از سوی کارفرما تأمین می‌شود. بخشی محدود از بافندگان همچنان به‌صورت خویش‌فرمایی فعالیت دارند، اما نقش آنان در مقایسه با

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

تولید کارفرمایی ناچیز است. حضور تولیدکنندگانی باسابقه، همچون خانم عصمت مرادی با حدود ۲۷ سال فعالیت، نمونه‌ای از استمرار شبکه‌های محلی تولید است. بااین‌حال، بافندگان وابسته به نهادهایی چون جهاد سازندگی، تعاونی‌های روستایی و کمیته امداد، اغلب در کارگاه‌های متمرکز فعالیت می‌کنند و گاه به تولید قالی‌های تمام‌ابریشم روی می‌آورند که از نظر ساختار و نقشه با بافته‌های سنتی منطقه تفاوت دارد؛ تغییری که بیانگر نفوذ جریان‌های اقتصادی و زیباشناختی جدید است. با این حال تحولات فنی و فرهنگی اسدآباد را نمی‌توان جدا از بستر کلان اقتصادی و سیاسی ایران تبیین کرد، به نحوی که «در دوره پهلوی، سیاست‌های نوسازی و گسترش صنایع نساجی، همراه با قدرت‌گیری واسطه‌های تجاری، مسیر ورود مواد اولیه صنعتی مانند پشم وارداتی و رنگ‌های شیمیایی را هموار کرد و بدین ترتیب نظام خویش‌فرمایی روستایی را تضعیف نمود» (Hatami & Authours, 2021: 100). پس از انقلاب و در سال‌های جنگ، بازسازی نهادهایی چون جهاد سازندگی و کمیته امداد با هدف حمایت از معیشت روستاییان، الگوی تولید نیمه‌متمرکز را رواج دادند و با تأمین مواد اولیه و ایجاد کارگاه‌ها، ساختار تولید را از حالت خوداتکا به حالت سازمان‌یافته سوق دادند (پایانی‌فر و نگارندگان، ۱۴۰۰: ۲۸۹). این فرایند از یک‌سو موجب تداوم اشتغال شد، اما از سوی دیگر استقلال هنری و خلاقیت فردی بافندگان را محدود کرد. از دهه ۱۳۷۰ به بعد، ورود جریان‌های نوین فرهنگی و اقتصادی باعث دگرگونی در ذائقه بصری جامعه محلی و گرایش به طرح‌ها، رنگ‌ها و مواد جدید شد. این تغییرات با جایگزینی الیاف صنعتی مانند آکریلیک به‌جای پشم محلی و رنگ‌های شیمیایی به‌جای رنگزاهای گیاهی همراه شد؛ روندی که افزون بر مزیت اقتصادی (دسترسی آسان‌تر، قیمت مناسب‌تر و سرعت بیشتر)، حامل معنایی فرهنگی نیز بود، زیرا نشان‌دهنده میل به هماهنگی با الگوهای تولید شهری و بازار مدرن است. چنین تغییراتی استقلال فنی و زیبایی‌شناختی را کاهش داده و تولید را تابع بازار مصرف‌کننده شهری کرده است. افزایش وابستگی به مواد اولیه کارخانه‌ای نیز ساختار سنتی و خودکفای تولید را به نظامی نیمه‌متمرکز و بازارمحور تبدیل کرده که در ظاهر موجب آسان‌تر شدن فرایند تولید است، اما در عمل به کاهش تنوع نقوش، افت کیفیت و تضعیف هویت فنی منطقه انجامیده است.

در تبیین علت و سازوکار دقیق انتقال فناوری و جایگزینی مواد اولیه در قالی‌بافی اسدآباد، باید مسیر تأثیر را فراتر از عوامل کلی مدرنیزاسیون، به سمت اقتصاد خُرد بافنده و نقش واسطه‌های بازار هدایت کرد. در نظام غالب کارفرمایی، تصمیم استفاده از مواد اولیه ارزان‌تر نظیر الیاف درصدی آکریلیک و رنگزای شیمیایی، نتیجه‌ی یک مسیر علّی چندلایه و فشار اقتصادی از بالا به پایین است که طی آن، نیروهای اقتصادی، نهادی، فرهنگی و معیشتی به‌طور هم‌زمان عمل کرده‌اند، نخست، شبکه تجار و واسطه‌های شهری با عرضه بسته‌های آماده الیاف آکریلیک و رنگ‌های شیمیایی، هزینه تولید را کاهش داده و مواد صنعتی را به انتخاب اصلی بافندگان تبدیل کردند. سپس نهادهای حمایتی با توزیع مواد استاندارد و آموزش نقشه‌های از پیش‌طراحی‌شده عملاً زمینه یکسان‌سازی مواد اولیه و حذف تدریجی رنگ‌های گیاهی را فراهم نمودند. در گام بعد، تغییر ذائقه مصرف‌کنندگان شهری موجب شد استفاده از رنگ‌های صنعتی نه‌تنها به دلیل سهولت، بلکه به‌عنوان یک معیار زیبایی‌شناختی پذیرفته شود. این سازوکار نشان می‌دهد که فشارهای معیشتی و نیاز به افزایش سرعت تولید سبب شد بافندگان مواد صنعتی را انتخابی عقلانی بدانند؛ چرا که الیاف مصنوعی (ارزان‌تر) و رنگزای شیمیایی (سریع‌تر و پایدارتر) به کارفرما سود بیشتری می‌رساند و بافنده نیز (به دلیل دریافت دستمزد بر اساس گره) ناچار به پذیرش این مواد است. برآیند این سازوکارها نشان می‌دهد که ورود فناوری جدید و تغییر مواد اولیه، انتخاب آزادانه و هنری نمی‌باشد و نتیجه برهم‌کنش نیروهای ساختاری (اقتصاد کلان و نهادها) و کنش‌های خرد بافندگان (فشار معیشتی) بوده است.

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

در مجموع، تحولات فرهنگی و فناورانه در اسدآباد را می‌توان فرایندی دووجهی دانست که هم امکان انطباق با شرایط جدید اقتصادی و فرهنگی را فراهم کرده و هم به فرسایش تدریجی هویت فنی و زیبایی‌شناختی قالی‌های منطقه منجر شده است؛ فرایندی که نمونه‌ای روشن از تعامل فرهنگ، فناوری و بازار در بازتعریف هنرهای سنتی ایران در دوره معاصر محسوب می‌شود.

در انتها، جهت شناخت بهتر روند تحولات، نمونه‌هایی بررسی و مستندسازی شده‌اند (جداول ۲ الی ۵).

جدول ۲: تصاویر قالی‌های اسدآباد و ویژگی‌های فنی بافت نمونه‌ها (نگارندگان)

	مولفه ها	قالی ۱	قالی ۲	قالی ۳	قالی ٤
۱	ابعاد	کناره	کناره (۴*۷.)	خرک (۸. *۲)	خرک (۸. *۲.۱)
۲	رجشمار	۱۵	۲۰	۱۷	۱۸
۳	نوع بافت	نیم لول	نیم لول	نیم لول	نیم لول
٤	قدمت	۱۵ سال	۴ سال	۵ سال	۸ سال
۵	طرح	کلاسیک/ روستایی نقش چنارشیخ / طرح چند ترنج	کلاسیک/ روستایی نقش ماهی تاجی آباد / طرح لچک‌دار	کلاسیک/ روستایی نقش ماهی تاجی آباد / طرح لچک ترنج	کلاسیک/ روستایی نقش ماهی تاجی آباد / طرح لچک ترنج
٦	نوع گره و جنس پرز	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا
۷	چله	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۲۴ لا / سفید رنگ	جنس آکرولیک-پنبه‌ای / تاب S / ۲۱ لا / سفید رنگ	جنس آکرولیک-پنبه‌ای / تاب S / ۲۱ لا / سفید رنگ	جنس آکرولیک-پنبه‌ای / تاب S / ۲۱ لا / سفید رنگ
۸	پود	جنس پنبه‌ای / تاب S/ ۲۱ لا	جنس آکرولیک-پنبه‌ای / تاب S /	جنس آکرولیک-پنبه‌ای / تاب S	جنس آکرولیک-پنبه‌ای / تاب S /

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

OPEN ACCESS
مقاله پژوهشی

	کلفت	/ سفید رنگ	۱۸ لا / سفید رنگ	/ ۱۸ لا / سفید رنگ	۱۸ لا / سفید رنگ
۹	پود نازک	–	–	–	–
۱۰	شیرازه پیچی	متصل / جنس پشمی / لاکی	متصل / جنس پشمی / قرمز	متصل / جنس پشمی / لاکی	متصل / جنس پشمی / سرمه‌ای
۱۱	گلیم باف	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای، اندازه ۵. سانتی‌متر	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای–آکرولیک، اندازه ۱ سانتی‌متر	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای–آکرولیک، اندازه ۲ سانتی‌متر	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای–آکرولیک، اندازه ۱ سانتی‌متر
۱۲	آرایش-سرچله	–	–	–	–
۱۳	پرداخت	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده
۱٤	نوع رنگرزی	شیمیایی– خانگی	شیمیایی– صنعتی	شیمیایی– صنعتی	شیمیایی– صنعتی
۱۵	کیفیت بافت	متوسط	متوسط	ضعیف	ضعیف

جدول ۳: تصاویر قالی‌های اسدآباد و ویژگی‌های فنی بافت نمونه‌ها (نگارندگان)

	مولفه ها	قالی ۵	قالی ٦	قالی ۷	قالی ۸
۱	ابعاد	موصل (۲*۱.۱)	کناره (۸. *۳)	ذرع و نیم غیر استاندارد[1] (۱.۴ *۱.۸)	کناره (۸. *۲.۱)

[1] ابعاد ذرع و نیم قانوناً ۱۰۴*۱۵۶ سانتی متر است که این سایز در قالی‌های تمام ابریشم قم و تبریز رویت میگردد ولی در نواحی همدان به علت استفاده از پودهای ضخیم با تعداد لا بالا طول قالی بین ۱۶۰ تا ۱۸۰ متغیر می‌باشد.

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

OPEN ACCESS
مقاله پژوهشی

۲	رجشمار	۲۰	۲۵	۱۷	۱۸
۳	نوع بافت	نیم لول	نیم لول	نیم لول	نیم لول
٤	قدمت	۶۰ سال	۷۰ سال	۳۵ سال	۳۰ سال
۵	طرح	کلاسیک/ روستایی نقش ترمه / طرح لچک ترنج	کلاسیک/ روستایی نقش ماهی تاجی آباد / طرح چند ترنج	کلاسیک/ روستایی نقش ترمه / طرح لچک ترنج	کلاسیک/ روستایی نقش ماهی تاجی آباد / طرح چند ترنج
٦	نوع گره و جنس پرز	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا
۷	چله	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۲۱ لا / سفید رنگ	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۱۵ لا / سفید رنگ	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۲۱ لا / سفید رنگ	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۲۱ لا / سفید رنگ
۸	پود کلفت	جنس پنبه‌ای / تاب S/ ۱۸ لا / سفید رنگ	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۱۸ لا / سفید رنگ	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۱۸ لا / سرمه‌ای رنگ	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۱۸ لا / سفید رنگ
۹	پود نازک	–	–	–	–
۱۰	شیرازه پیچی	متصل / جنس پشمی / قرمز	متصل / جنس پشمی / قرمز	متصل / جنس پشمی / سرمه‌ای	متصل / جنس پشمی / قرمز
۱۱	گلیم باف	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای، اندازه ۵. سانتی‌متر	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای ، اندازه ۵. سانتی‌متر	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای ، اندازه ۵. سانتی‌متر	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای ، اندازه ۵. سانتی‌متر
۱۲	آرایش-سرچله	–	–	–	–
۱۳	پرداخت	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده
۱٤	نوع رنگرزی	شیمیایی- خانگی	طبیعی- خانگی	طبیعی- خانگی	طبیعی- خانگی
۱۵	کیفیت بافت	خوب	خوب	ضعیف	متوسط

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

OPEN ACCESS
مقاله پژوهشی

جدول ۴: تصاویر قالی‌های اسدآباد و ویژگی‌های فنی بافت نمونه‌ها (نگارندگان)

	مولفه ها	قالی ۹	قالی ۱۰	قالی ۱۱	قالی ۱۲
۱	ابعاد	خرک (۱.۸*.۷۸)	خرک (۱.۹*۶۵)	خرک (۸. *۱.۸۵)	خرک (۸. *۲.۱)
۲	رجشمار	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۳	نوع بافت	نیم لول	نیم لول	نیم لول	نیم لول
٤	قدمت	۲۰ سال	۸ سال	۱۵ سال	۳۰ سال
۵	طرح	کلاسیک/ روستایی نقش چنارشیخ / طرح چند ترنج	کلاسیک/ روستایی نقش ماهی تاجی آباد / طرح لچک دار	کلاسیک/ روستایی نقش ماهی تاجی آباد / طرح لچک ترنج	کلاسیک/ روستایی نقش ماهی تاجی آباد / طرح چند ترنج
٦	نوع گره و جنس پرز	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا
۷	چله	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۲۴ لا / سفید رنگ	جنس آکرولیک–پنبه‌ای / تاب S / ۲۴ لا / سفید رنگ	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۲۱ لا / سفید رنگ	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۲۱ لا / سفید رنگ
۸	پود کلفت	جنس پنبه‌ای / تاب S/ ۲۱ لا / سفید رنگ	جنس آکرولیک–پنبه‌ای / تاب S / ۲۱ لا / سفید رنگ	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۱۸ لا / قرمز رنگ	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۱۸ لا / سفید رنگ
۹	پود نازک	–	–	–	–

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

OPEN ACCESS
مقاله پژوهشی

۱۰	شیرازه پیچی	متصل / جنس پشمی / قرمز	متصل / جنس پشمی / قرمز	متصل / جنس پشمی / قرمز	متصل / جنس پشمی / لاکی
۱۱	گلیم باف	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای، اندازه ۱ سانتی‌متر	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای–آکرولیک، اندازه ۱ سانتی‌متر	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای، اندازه ۱ سانتی‌متر	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای، اندازه ۱ سانتی‌متر
۱۲	آرایش-سرچله	–	–	–	–
۱۳	پرداخت	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده
۱٤	نوع رنگرزی	شیمیایی– صنعتی	شیمیایی– صنعتی	شیمیایی– صنعتی	شیمیایی– صنعتی
۱۵	کیفیت بافت	متوسط	ضعیف	ضعیف	ضعیف

جدول ۵: تصاویر قالی‌های اسدآباد و ویژگی‌های فنی بافت نمونه‌ها (نگارندگان)

	مولفه ها	قالی ۱۳	قالی ۱۴	قالی ۱۵	قالی ۱٦
۱	ابعاد	خرک (۱.۸*.۷۴)	ذرع چارک (۱.۲*.۷)	ذرع چارک (۱.۱۵*.۶۸)	خرک (۲.۰۴* .۷۵)
۲	رجشمار	۱۷	۱۵	۱۶	۱۶

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

OPEN ACCESS
مقاله پژوهشی

۳	نوع بافت	نیم لول	نیم لول	نیم لول	نیم لول
۴	قدمت	۵ سال	۲۰ سال	۱۸ سال	۷ سال
۵	طرح	کلاسیک/ روستایی نقش چنارشیخ / طرح چند ترنج	کلاسیک/ روستایی نقش ماهی تاجی آباد / طرح لچک ترنج	کلاسیک/ روستایی نقش ماهی تاجی آباد / طرح لچک ترنج	کلاسیک/ روستایی نقش چنارشیخ / طرح چند ترنج
۶	نوع گره و جنس پرز	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا	جنس پشم / نوع متقارن / ۲ لا
۷	چله	جنس آکرولیک-پنبه‌ای / تاب S / ۲۱ لا / سفید رنگ	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۲۴ لا / سفید رنگ	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۲۴ لا / سفید رنگ	جنس آکرولیک-پنبه‌ای / تاب S / ۲۱ لا / سفید رنگ
۸	پود کلفت	جنس آکرولیک-پنبه‌ای / تاب S / ۱۸ لا / سفید رنگ	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۲۱ لا / سفید رنگ	جنس پنبه‌ای / تاب S / ۱۸ لا / قرمز رنگ	جنس آکرولیک-پنبه‌ای / تاب S / ۱۸ لا / پوست پیازی
۹	پود نازک	–	–	–	–
۱۰	شیرازه پیچی	متصل / جنس پشمی / پ.ست پیازی	متصل / جنس پشمی / قرمز	متصل / جنس پشمی / قرمز	متصل / جنس پشمی / پوست پیازی
۱۱	گلیم باف	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای-آکرولیک، اندازه ۱ سانتی‌متر	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای، اندازه ۱ سانتی‌متر	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای، اندازه ۱ سانتی‌متر	به صورت کرباسی، جنس پنبه‌ای، اندازه ۱ سانتی‌متر
۱۲	آرایش-سرچله	–	–	–	–
۱۳	پرداخت	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده	هر ردیف موگیری، شانه و قیچی توسط بافنده
۱۴	نوع رنگرزی	شیمیایی- صنعتی	شیمیایی- صنعتی	شیمیایی- صنعتی	شیمیایی- صنعتی
۱۵	کیفیت بافت	متوسط	ضعیف	ضعیف	ضعیف

۵- تحلیل جداول

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

بررسی جداول مربوط به نمونه‌های قالی‌بافی اسدآباد نشان می‌دهد که ساختار فنی و زیباشناختی این دست‌بافته‌ها، اگرچه در جزئیاتی مانند رنگرزی، نوع الیاف و کیفیت بافت دستخوش تغییر شده، اما در سطح سازه‌ای همچنان به سنت‌های دیرپای بافت روستایی استان وابسته است. نقوش اصلی شامل سه گروه چنارشیخ، ماهی تاج‌آباد و ترمه است که در اغلب نمونه‌ها تکرار می‌شود و نشان می‌دهد که نظام الگوگیری منطقه، برخلاف برخی مناطق شهری، طی دهه‌های اخیر تنوع قابل توجهی نداشته است. این ثبات طرح در عین وجود تغییرات فنی، نشان از پایداری هسته هویتی قالی‌بافی منطقه دارد. از نظر ساختار کلی بافت، تمامی نمونه‌ها با ساخت نیم‌لول شکل گرفته‌اند؛ شیوه‌ای که حد واسط میان تخت‌بافی و لول‌بافی است و در بافته‌های قدیمی (بیش از ۷۰ سال) نیز مشاهده می‌شود. این پیوستگی نشان می‌دهد که ساخت نیم‌لول یک ویژگی تاریخی-منطقه‌ای پایدار است و تحولات معاصر نتوانسته آن را متحول سازد. رج‌شمار نمونه‌ها نیز الگوی نسبتاً یکنواختی را نشان می‌دهد؛ اغلب میان ۱۵ تا ۲۰ رج، که با نیازهای مصرفی روستاهای منطقه همخوان است و برخلاف تولیدات کارگاهیِ کمیته‌باف یا جهادباف، بیشتر جهت کارکرد روزمره و خانوادگی طراحی شده است. تحلیل جداول نشان می‌دهد که مهم‌ترین روند زمانی مربوط به تغییر تدریجی مواد اولیه است. در قالی‌های با بیش از ۱۵ سال قدمت، تار و پود عمدتاً از پنبه خالص تهیه شده، در حالی که در نمونه‌های جدیدتر، الیاف ترکیبی آکریلیک-پنبه جایگزین شده است. این تحول با رشد صنایع نساجی و کاهش تولید پشم محلی در دهه‌های ۱۳۷۰ به بعد هم‌پوشانی کامل دارد. مقایسه نمونه‌ها طی بازه زمانی مورد مطالعه نشان می‌دهد که تعداد لای الیاف تار و پود نیز، که معمولاً مضربی از ۳ بوده و بین ۱۵ تا ۲۴ لا نوسان دارد، در دهه‌های اخیر به سمت افزایش ضخامت گرایش یافته است؛ این تغییر، نوعی تلاش جهت افزایش دوام در برابر کاهش کیفیت مواد اولیه محسوب می‌شود. از نظر گره و چله‌کشی، داده‌ها نشان می‌دهد که هیچ‌گونه تغییر ساختاری بنیادین اتفاق نیفتاده است. تمام نمونه‌ها از گره متقارن (ترکی) و چله‌کشی ترکی بهره می‌برند و تعداد لای الیاف گره نیز ثابت و برابر با ۲ لاست. این ثبات کامل طی چند دهه، الگویی روشن از انتقال پایدار دانش ضمنی در بافت‌های روستایی اسدآباد به شمار می‌آید؛ دانشی که برخلاف تحول در مواد اولیه، همچنان در برابر تغییر مقاومت کرده است.

در حوزه رنگرزی، جداول بیانگر دو روند زمانی متمایز هستند، در نمونه‌های قدیمی‌تر، رنگرزی به‌صورت خانگی و با استفاده از رنگزاهای طبیعی انجام شده است، درحالی که در نمونه‌های جدید، رنگ‌های شیمیایی جایگزین شده و رنگرزی عمدتاً به‌صورت صنعتی انجام می‌گیرد. این تحول، افزون بر کارکرد اقتصادی، نشان‌دهنده تغییر در نگرش زیباشناختی جامعه محلی است؛ تنوع و ثبات بیشتر رنگ‌های صنعتی، اگرچه به گسترش پالت رنگی کمک کرده، اما هارمونی سنتی رنگ‌های طبیعی منطقه را تا حدی کاهش داده است.

در تمام نمونه‌ها، شیرازه‌پیچی متصل و گلیم‌باف کرباسی‌شکل مشاهده می‌شود؛ دو مؤلفه‌ای که از شاخصه‌های پایدار بافت در استان همدان محسوب می‌شوند. این تداوم، در کنار ثبات نوع گره و چله‌کشی، نشان می‌دهد که ساختار فنی قالی‌های اسدآباد در برابر روندهای مکانیزه و تغییرات بازار مقاومت کرده و عناصر سازه‌ای اصیل در طول زمان دست‌نخورده باقی مانده‌اند.

از منظر تاریخی، تحلیل روندهای فنی ثبت‌شده، تحول قالی‌بافی اسدآباد را در قالب سه مرحله‌ی متمایز روشن می‌سازد: نخست دوره سنتی (پیش از ۱۳۵۰)، که با حاکمیت نظام تولید خویش‌فرمایی، استفاده‌ی انحصاری از مصالح طبیعی

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

و رنگرزی گیاهی و بافت طرح‌های ذهنی مشخص می‌شود؛ سپس دوره گذار (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰)، که شاهد رواج رنگ‌های شیمیایی، شکل‌گیری تولید نیمه‌متمرکز تحت حمایت نهادهای دولتی و تغییر تدریجی در نوع الیاف بود؛ و در نهایت عصر معاصر (۱۳۹۰ به بعد)، که محوریت آن بر ترکیب الیاف مصنوعی با حفظ ساختار سنتی بافت، گسترش رنگرزی صنعتی، ساده‌سازی طرح‌ها و نفوذ الگوهای تولید کارگاهی متمرکز است.

تحلیل اطلاعات جداول نشان می‌دهد که قالی‌های اسدآباد، علی‌رغم تغییرات تدریجی در مواد و فناوری، همچنان حامل هویت تکنیکی منطقه‌اند. استمرار گره متقارن، چله‌کشی ترکی و ساختار نیم‌لول، نشانه‌ای از پایداری دانش فنی و مقاومت فرهنگی بافندگان در برابر یکسان‌سازی صنعتی است. با این حال، نفوذ مواد مصنوعی و رنگ‌های صنعتی نشان می‌دهد که تعادل میان سنت و مدرنیته در قالی‌بافی اسدآباد وارد مرحله‌ای جدیدی شده است که در آن اصالت فنی حفظ شده اما عناصر جدید به تدریج در بافت محصولات رسوخ یافته‌اند.

نتیجه

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قالی‌های منطقه اسدآباد همدان، اگرچه ریشه در سنت دیرینه‌ی بافندگی ایرانی دارند، اما در بستر تحولات فرهنگی و اجتماعی معاصر دچار دگرگونی‌های چشمگیری شده‌اند. بررسی فنی نمونه‌های مورد مطالعه نشان داد که ساختار کلی بافت، شامل دارهای عمودی فلزی، چله‌کشی ترکی، گره‌های متقارن و شیرازه‌های متصل، همچنان بر اصول سنتی استوار است. با این حال، تغییر در مواد اولیه و الیاف مصرفی، از جمله جایگزینی تدریجی الیاف پنبه‌ای دست‌ریس با الیاف آکریلیک و پنبه‌ای، نشانه‌ای از گذار صنعت قالی‌بافی منطقه از ساختار سنتی به نظامی صنعتی و وابسته است. این تغییرات، علاوه بر تأثیر بر کیفیت و دوام قالی، موجب کاهش اصالت و هویت بومی دست‌بافته‌ها شده است. از منظر فرهنگی، نفوذ الگوهای تولید کارفرمایی، گسترش تعاونی‌ها و ورود نهادهای حمایتی مانند جهاد سازندگی و کمیته امداد، ساختار اجتماعی و اقتصادی قالی‌بافی را دگرگون کرده است. این تحولات در ظاهر موجب تداوم اشتغال زنان روستایی شده، اما در عمل باعث فاصله‌گیری بافندگان از الگوهای اصیل بومی و محدود شدن خلاقیت فردی آنان در انتخاب نقش و رنگ شده است. قالی‌های موسوم به جهادباف یا تعاونی‌باف با وجود برخورداری از ظرافت و نظم بیشتر، از هویت اصیل فنی و فرمی قالی اسدآباد فاصله گرفته‌اند و بیشتر در پاسخ به نیاز بازار و سلیقه مصرف‌کننده مدرن بافته می‌شوند. تغییر در نظام رنگرزی نیز از مهم‌ترین جلوه‌های تأثیر تحولات فرهنگی معاصر بر قالی اسدآباد است. استفاده از رنگ‌های شیمیایی به جای رنگ‌های گیاهی، کاهش درخشش و هماهنگی رنگی سنتی را در پی داشته است. رنگ زمینه‌ی لاکی و ترنج‌های سرمه‌ای که زمانی از مشخصه‌های اصلی قالی‌های منطقه بودند، امروز جای خود را به طیف‌های متنوع اما بی‌هویت داده‌اند. این تحول را می‌توان نشانه‌ای از تغییر ذائقه‌ی فرهنگی جامعه و گرایش آن به زیبایی‌شناسی مدرن دانست. از منظر فنی، حفظ ساختارهای سنتی چون استفاده از گره ترکی و بافت تک‌پود، در کنار سازگاری تدریجی با الگوهای صنعتی، بیانگر نوعی همزیستی میان سنت و نوگرایی در این منطقه است. این همزیستی هرچند به پایداری نسبی حرفه کمک کرده، اما خطر از دست رفتن میراث ناملموس بومی را نیز در پی دارد.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تحولات فرهنگی معاصر نه‌تنها در تغییر مواد اولیه و برخی روش‌های تولید نمود یافته‌اند، بلکه در سطحی عمیق‌تر موجب تغییر در منطق تولید، ذائقه‌ی زیبایی‌شناختی و نقش بافنده در فرایند خلاقه

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

شده‌اند. به بیان دیگر، فرهنگ معاصر با تأثیرگذاری بر الگوهای اقتصادی و ارزش‌های زیباشناسی محلی، ساختار فنی بافت را نیز دگرگون کرده است. که می‌توان در بُعد کاربردی، جهت صیانت از میراث فرمی، فنی و فرهنگی قالی منطقه، اقداماتی چون مستندسازی و ایجاد بانک اطلاعاتی از نقوش اصیل، احیای سنت‌های رنگرزی، آموزش بافندگان جوان با محوریت تکنیک‌های سنتی و ایجاد برند محلی تحت حمایت نهادهای فرهنگی صورت گیرد. این اقدامات می‌توانند ضمن حفظ اصالت فنی، زمینه‌ساز توسعه‌ی پایدار صنایع‌دستی منطقه نیز باشند.

بنابراین، حفظ و بازشناسی ویژگی‌های فنی و فرهنگی قالی‌های اسدآباد ضرورتی دوگانه دارد: از یک سو مسبب پاسداری از میراث فرهنگی و هویت محلی و از سوی دیگر سبب ایجاد الگوهای توسعه‌ی پایدار در حوزه صنایع‌دستی شده است. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که قالی اسدآباد در دوره معاصر نمایانگر روندی میان تداوم و تحول است. این قالی‌ها نه‌تنها بازتاب سنت‌های دیرپای منطقه‌اند، بلکه تصویری از سازگاری جامعه‌ی محلی با تغییرات فرهنگی، اقتصادی و فنی جدید نیز ارائه می‌دهند. از این رو، مطالعه‌ی تطبیقی میان شاخصه‌های فنی گذشته و حال این قالی‌ها می‌تواند به درک عمیق‌تری از فرآیند دگرگونی هنرهای سنتی ایران و نقش فرهنگ معاصر در بازتعریف هویت بومی کمک کند.

تضاد منافع

بدین‌وسیله نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.

منابع

ادواردز، سیسیل. (۱۳۶۸). قالی ایران. تهران، ایران: انتشارات فرهنگسرا.

استون، پ .(۱۳۹۱). *فرهنگنامه فرش شرق* (ترجمه بیژن اربابی). تهران: انتشارات یساولی.

به آذین، محمود اعتماد زاده. (۱۳۴۴). قالی ایران. تهران، ایران: انتشارات ابن سینا.

جلیلیان، نعیمه. (۱۳۹۲). بررسی نقوش فرش روستایی بافت همدان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان).

خانجانی، لیلا. (۱۳۹۵). بررسی زیبایی شناسی فرم و رنگ نقوش فرش مهربان همدان و تاثیر آن از فرش کردستان (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس).

دادور، ابوالقاسم. (۱۳۸۰). بررسی زیراندازهای استان همدان از لحاظ طرح و رنگ. تهران، ایران: انتشارات وزارت جهاد کشاورزی (سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی فرش دستباف ایران).

ذریه الزهرا، سید احمد. (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی و احیای نقوش فرش دستباف مناطق همدان و زنجان (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر تربیت مدرس).

رسولی، اعظم. (۱۳۹۰). بررسی ساختار درون متنی فرش دستبافت همدان (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا).

ژوله، تورج. (۱۳۹۰). پژوهشی در فرش ایران. تهران، ایران: انتشارات یساولی.

صباحی، م. (۱۳۹۳). *قالین* .تهران: انتشارات دانشگاه هنر.

ناشر: دانشگاه تبریز

تاریخ فرهنگ ایران

https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی

OPEN ACCESS

صوراسرافیل، شیرین. (۱۳۷۵). تاریخ منقوش فرش همدان. تهران، ایران: انتشارات مینا.

محمدی، محمد. (۱۳۸۷). فرش همدان نگاهی مردم شناختی، نشریه فرهنگ مردم، شماره ۲۶، صفحه ۱۰۲-۱۱۲.

ملکی، سید حسن. یاوری، حسین. احراری، عبدالله. محمودزاده، نصرت الله. (۱۳۸۷). صنعت فرش همدان. پژوهشنامه قالی ایران. شماره ۸۰، صفحه ۲۵-۲۸.

نیکویی، مجید. (۱۳۸۷). معرفی فرش مناطق ایران-همدان. تهران، ایران: انتشارات مرکز ملی فرش ایران.

یساولی، جواد. (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر شناخت قالی ایران. تهران، ایران: انتشارات فرهنگسرا.

یساولی، جواد. (۱۳۷۵). *قالی‌ها و قالیچه‌های ایران* .تهران: انتشارات یساولی.

پایانی فر, صداقت زادگان, موسوی, میرطاهر, رفیعی. (۲۰۲۱). طراحی مدل برای تعامل مناسب نهادهای خیریه و کمیته امداد امام خمینی (ره) در ایران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*, ۲۱(۸۲), ۲۷۵-۳۰۹.

Beh-Azin, M. E. (1965). *Iranian carpets*. Tehran, Iran: Ibn Sina Publications. (in Persian)

Cardon, D. (2007). *Natural Dyes: Sources, Tradition, Technology and Science*. London: Archetype Publications

Dadvar, A. (2001). *A study of underlays (floor coverings) of Hamedan Province in terms of design and color*. Tehran, Iran: Ministry of Jihad-e Agriculture, Agricultural Research and Education Organization. (in Persian)

Edwards, C. (1989). *The Persian carpet*. Tehran, Iran: Farhangsara Publications. (in Persian)

Eiland, Jr. (1998). Oriental Rugs: Complete Guide. Laurence Hing. London

Ford, P. R. J. (2008). Oriental Carpet Design. London: Thames & Hudson Ltd

Hatami, F., Saeedinia, H., & Mansorimoghadam, M. R. (2021). Bushehr Etemadieh Factory and its Impact on the Socio-economic Structure of Bushehr in the Pahlavi Era. *Historical Researches*, *13*(4), 93-114.

Jalilian, N. (2013). *A study of motifs in rural carpets of Hamedan* (Master's thesis). Semnan University, Iran. (in Persian)

Jouleh, T. (2011). *Studies on Iranian carpets*. Tehran, Iran: Yasavoli Publications. (in Persian)

Khanjani, L. (2016). *An aesthetic study of form and color in the carpets of Mehraban (Hamedan) and their influence from Kurdistan carpets* (Master's thesis). Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (in Persian)

Maleki, S. H., Yavari, H., Ahrari, A., & Mahmoudzadeh, N. (2008). The carpet industry of Hamedan. *Iranian Carpet Research Journal*, 80, 25–28. (in Persian)

Mohammadi, M. (2008). Hamedan carpets: An ethnographic approach. *Farhang-e Mardom Journal*, 26, 102–112. (in Persian)

Nikouei, M. (2008). *An introduction to carpets of Iran: Hamedan*. Tehran, Iran: National Carpet Center of Iran. (in Persian)

Payani-Far, S., Sedaghat-Zadegan, M., Mousavi, M. T., & Rafiei, S. (2021). Designing a model for effective interaction between charitable organizations and the Imam Khomeini Relief Committee in Iran. *Social Welfare Quarterly*, 21(82), 275–309. (in Persian)

Polanyi, M. (1966). *The Tacit Dimension.* London: Routledge & Kegan Paul

ناشر: دانشگاه تبریز

تاریخ فرهنگ ایران

https://ihc.tabrizu.ac.ir/3, 1, 2026, 52-76. doi: 10.22034/IHC.2026.69572.1102

مقاله پژوهشی

OPEN ACCESS

Rasouli, A. (2011). *An analysis of intratextual structure in Hamedan handmade carpets* (Master's thesis). Alzahra University, Tehran, Iran. (in Persian)

Rudner, M. (2011). *The Modernization of Iran and the Development of the Persian Carpet Industry: The Neo-Classical Era in the Persian Carpet Industry, 1925–45. Iranian Studies, 44*(1), 49–76.

Sabahi, M. (2014). *Ghalin*. Tehran, Iran: University of Art Publications. (in Persian)

Sakhai, Essie. (2008). Persian Rugs and Carpet. London: Antique collectors Club.

Sennett, R. (2008). *The Craftsman.* New Haven, CT: Yale University Press

Sourisrafil, S. (1996). *The illustrated history of Hamedan carpets*. Tehran, Iran: Mina Publications. (in Persian)

Stone, P. (2012). *East Carpets Dictionary: A comprehensive guide to designs and motifs* (B. Arbabi, Trans.). Tehran, Iran: Yasavoli Publications. (in Persian)

Yasavoli, J. (1991). *An introduction to the study of Iranian carpets*. Tehran, Iran: Farhangsara Publications. (in Persian)

Yasavoli, M. (1996). *Iranian carpets*. Tehran, Iran: Yasavoli Publications. (in Persian)

Zariyeh al-Zahra, S. A. (2001). *A comparative study and revival of motifs in handmade carpets of Hamedan and Zanjan regions* (Master's thesis). Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (in Persian)